

۵۴

نوجوان هنرمند محلۀ پنجتن، با تکیه بر استعداد هایش درآمدی میلیونی دارد

خودم را باور کردم



عکس: فهیمه فرخی/شهرآرا

فلافل فروش کتاب خوان محلۀ تیمور
از سوی شهرآرامحلۀ و نهاد کتابخانه ها تقدیر شد

رفیق کتابها

۷



شهروندان محلۀ رده از تأخیر در بازگشایی
معبر پنجتن ۳۴ به خیابان شهید حسینی محراب
گلایه مندند

در انتظار دسترسی آسان

۲

زوج مهرگانی از تلاش هایشان
در حمایت از غزه می گویند
انسانیت بدون مرز

۷

● همسایه ام بمان

فرهاد امیری، همسایه دیوار به دیوار آقای برگمدی است. حرفه اش کفاشی است و تعمیرات کیف هم انجام می دهد. چند هفته دیگر، مهلت قراردادش با مالک به پایان می رسد و اعلام افزایش چند میلیونی قیمت اجاره بها از سوی مالک، او را ناگزیر کرده است که به همسایگی چهارساله اش با آقای برگمدی، پایان بدهد.

می گوید: وقتی جواد آقا فهمید که به دنبال مغازه دیگری هستم، خودش دست به کار شد و برای اینکه از هم دور نشویم، پیگیری کرد و چند مغازه آن طرف تر برایم ملکی با اجاره کمتر و بنای بهتر پیدا کرد.

ادامه می دهد: اینجا همسایه ها هوای هم را دارند. این نعمت بزرگی است که شاکرش هستم. او همسایه اش، علی رضایی را معرفی می کند و می گوید: من، جواد آقا و علی آقاسعی می کنیم با انصاف و خوش خلقی با مردم، اوضاع کسب و کارمان را گرم کنیم.

● همسایه داری به سبک

دهه ۶۰

همسایه ها، علی رضایی را به صبر و خوش انصافی می شناسند. او

بیست سالی می شود که در خیابان شهیدان نظام دوست سکونت دارد. تا چهار سال پیش مغازه موتورسازی اش حاشیه طبرسی شمالی بود اما افزایش ناگهانی اجاره بها باعث شد به اینجا نقل مکان کند. وقتی موضوع گزارشمان را متوجه می شود، برایمان از فرهنگ و آیین همسایه داری مردم در دهه ۶۰ تعریف می کند: روزگاری که دل ها نزدیک بود و حتی خانه یک همسایه از حیاط به خانه همسایه دیگر،

راه داشت. او از همسایگی با آقای امیری و برگمدی که حال و هوای همسایگی های قدیم را دارد، خوشحال است. می گوید:

داشتن همسایه خوب و بی آزار، نعمت است. اگر دیگران هم توقعشان را پایین بیاورند و با هم با انصاف رفتار کنند، دل ها مثل قدیم به هم نزدیک می شود.

همسایه به همسایه، دیدار سوم، کوچه شهیدان نظام دوست

تعمیرکارهای مردم دار

محمد رضا فیضی این تسبیح رفاقتشان کسب و کارشان است: همسایه هایی که حد فاصل کوچه شهیدان نظام دوست ۲۹ و ۳۱ هر روز، صبح اول وقت، چشم در چشم می شوند. سلام و احوالپرسی می کنند و کرکره مغازه هایشان را با توکل به خدا بالا می دهند. وقتی هم که از کار خسته می شوند، فرصت را برای سرزدن به یکدیگر و گپ و گفتی کوتاه، غنیمت می شمارند. هر چند صنف ورسته کاری شان با هم نمی خواند، اشتراکات بسیاری دارند که رفاقتشان را محکم کرده است: چیزهایی مثل استفاده از تخصص برای تعمیر وسایل و راه انداختن کار مردم.

● کمک به معیشت اهالی

یکی از این همسایه های تعمیرکار، جواد برگمدی است. او نشستن پشت چرخ خیاطی و دوختن شلوار و پیراهن مردانه را از سال ۱۳۶۹ شروع کرده و بیست سالی می شود که مغازه اش را از محله رسالت به عباس آباد منتقل کرده است. برگمدی که عضو شورای اجتماعی محله عباس آباد نیز هست، با کمک دیگر اعضا بسیاری از مشکلات محله مثل تخریب آسفالت خیابان شهیدان نظام دوست را حل کرده است. او که این روزها بیشتر وقتش به تعمیر لباس مشتری ها می گذرد، می گوید: اوضاع مالی مردم جوری است که بیشتر ترجیح می دهند لباس هایشان را تعمیر کنند و تن به هزینه دوخت ندهند.

او فرهاد امیری را به ما معرفی می کند و می گوید: چهار سال است که با هم آشنا شده ایم. اگر به سفر بروم، خانه و مغازه ام را می سپارم به او. مشتری انم هم اگر تعمیر کیف و کفش داشته باشند آن ها را به آقای امیری معرفی می کنم که منصف و کار بلد است.

همسایه به همسایه

۳

مطالبات مردم از شهردار منطقه

۱۳۷

۳

هفته پیش سوم اردیبهشت، سید کمال الدین شاهچراغی، شهردار منطقه ۳ به همراه معاون فنی و اجرایی و نیز رئیس اداره روابط عمومی این منطقه در مرکز ارتباط مردمی ۱۳۷ حضور یافتند و ۹۰ دقیقه پاسخگوی مطالبات شهروندان بودند.

پرتکرارترین درخواست ها

روکش آسفالت خیابان فضا نظارت بر ساخت وسازها در خیابان رسالت ۵۷

حوزه عمران و حمل و نقل

۳۵ درصد تماس ها مربوط به این حوزه و اصلاح هندسی تقاطع شهید ناصری، تعویض جوی و جدول در محله فاطمیه از مهم ترین آن ها بود

فضای سبز

۱۵ درصد تماس ها درباره بازپیرایی فضای سبز منطقه از جمله بولوار مسلم جنوبی و صاحب الزمان (عج) بود

خدمات شهری

۲۰ درصد تماس ها مربوط به رفت و روپ در خیابان فضا و خیابان عنتر در شهرک مهرگان بود

محله های پرتماس

حدود یک سوم تماس ها مربوط به محله فاطمیه و دروی بود

تعداد تماس های دریافتی

۲۰ تماس

شهرداری

۲۰ درصد تماس ها به درخواست نظارت بیشتر بر ساخت وسازها در محله خیرآباد و فاطمیه مربوط بود

سایر حوزه ها

۱۰ درصد



شهروندان محله رده از تأخیر در بازگشایی معبر پنجن ۳۴ به خیابان شهید حسینی محراب گلایه مندند

در انتظار دسترسی آسان

شهرداری تملک و تخریب شده است. بعضی از مالکان می خواهند املک خود را با قیمت های نجومی به شهرداری واگذار کنند و حتی چند موردی هم سوء استفاده کرده و ملک خود را شبانه و غیرمجاز ساخته اند تا پول بیشتری از شهرداری به جیب بزنند. به گفته حشمتی، فعالان محلی، تاچندی قبل از شهرداری، پیگیر تملک بودند اما اکنون پیگیری هایشان کم رنگ شده است. او می گوید: چندی قبل ماجرا را با یکی از نمایندگان مردم مشهد در مجلس شورای اسلامی در میان گذاشتیم و حالا برایمان پاسخ آمده که تملک منازل باقی مانده از دستور کار شهرداری خارج شده است و فعلا برنامه ای برای این معبر ندارد.

اگر قیمت ها کارشناسی باشد، مردم پای کارند

زهرا نجف زاده، عضو شورای اجتماعی محله پنجن، تعیین قیمت پایین املک در مسیر را عاملی برای همکاری نکردن مردم با شهرداری می داند و می گوید: با بعضی از مالکان مسیر این معبر در ارتباط هستیم. آنان مشتاق اند منزلشان را برای حل مشکل محله واگذار کنند اما کارشناسانی که نرخ املک را تعیین می کنند، قیمت هایشان بسیار اندک است. اگر شهرداری قیمت منصفانه تعیین کند، حتما مردم هم پای کار می آیند و این معبر به راحتی بازگشایی می شود. این هفته به سراغ رئیس اداره املک شهرداری منطقه ۴ می رویم و آخرین خبرها و تحولات درباره این معبر را هفته آینده منتشر خواهیم کرد.

مسیری برای دسترسی آسان به قطار و اتوبوس

اهالی، محمد هاشمی را به عنوان یک جوان مطالبه گر می شناسند. او از ریز ماجرای بازگشایی معبر خیابان پنجن ۳۴ به خیابان شهید حسینی محراب با خبر است و می گوید: همیشه به دنبال مسیری برای دسترسی آسان شهروندان محله رده به پنجن و طبرسی شمالی بودیم. مردم به معبری نیاز داشتند که خیابان پنجن را به طبرسی شمالی متصل کند و از ظرفیت و امکانات موجود در این مسیر استفاده کنند. با بررسی هایی که انجام شد، مسیر خیابان پنجن ۳۴ به خیابان شهید حسینی محراب بهترین گزینه بود؛ بنابراین تمام تلاش خودمان را به کار بستیم تا این مسیر زودتر بازگشایی شود. او در ادامه بیان می کند: با اتصال معبر خیابان پنجن به خیابان طبرسی شمالی، بار ترافیکی خیابان پنجن و خیابان دهخدا به خیابان های شهید فروزانفر، افسر شمالی، شهید حسینی محراب، شیخ طوسی و... تقسیم می شود؛ از طرفی دسترسی شهروندان به بی آر تی و قطار شهری تا حد زیادی تسهیل خواهد شد.

فروش ملک با قیمت نجومی

علی حشمتی، یکی دیگر از اهالی محله رده است. او همکاری نکردن مالکان با شهرداری را عامل اصلی تأخیر در بازگشایی مسیر می داند و می گوید: از بخش های مختلف شهرداری برای بازگشایی این معبر پیگیری کرده ایم و خدا را شکر تعدادی از منازل در مسیر از سوی

فیضی | فعالان و اهالی محله رده و پنجن از چهار سال پیش تمام تلاششان را به کار بسته اند تا املک مسیر خیابان پنجن ۳۴ تا خیابان شهید حسینی محراب از سوی شهرداری منطقه ۴ تملک و راه دسترسی به این دو خیابان پرتردد محله آسان شود. برای عملیاتی شدن این طرح توانسته اند بعضی از مدیران شهری را پای کار بیاورند که نتیجه آن، تملک و تخریب تعدادی از املک در مسیر بوده است. حالا بخش شایان توجهی از املک هنوز باقی مانده است و بنابه گفته اهالی، مسئولان نبود منابع را بهانه کرده و از دستور کار خود برای تملک خارج کرده اند. دقایقی با فعالان این دو محله هم کلام می شویم تا از چند و چون ماجرا بیشتر بدانیم.



هم قدم



دانش آموزان مدارس محله طلاب روز زمین پاک گرد هم جمع شدند

برای آینده ای سالم

فیضی | هفته گذشته، هم زمان با روز زمین پاک، جمعی از دانش آموزان دختر محله طلاب در ابتدای خیابان شهید مفتاح گرد هم جمع شدند و با کمک هم، کره ای نمادین از زمین را رنگ آمیزی کردند. در حاشیه این مراسم، دانش آموزان پیام هایی از جنس حفاظت از محیط زیست را در قالب پلاکارد به نمایش گذاشتند و برای فرهنگ سازی استفاده نکردن از پلاستیک، کیف های پارچه ای را در بین اهالی توزیع کردند تا گامی کوچک اما اثرگذار برای زمینی سالم تر بردارند. پلیس راهور نیز در این برنامه، خودروها را از نظر فنی بررسی می کرد و اگر خودرو رانندگان بدون عیب و نقص فنی بود، جوایزی به آن ها اهدا می شد.



ساخت و سازهای غیرمجاز زیر ذره بین اداره نظارت

اداره نظارت بر ساخت و سازهای شهرداری منطقه ۴، سال گذشته با هدف پیشگیری از ساخت و سازهای غیرمجاز، بیست رأی قلع بنای غیرمجاز و ۲۰ رأی برش اسکلت را اجرا کرده است. این اقدامات در راستای صیانت از حقوق شهروندان، ارتقای کیفیت محیط شهری و اجرای دقیق ضوابط و مقررات شهرسازی انجام شده است.

پروژه ای برای تلگردبدون آب گرفتگی

اداره عمران و حمل و نقل شهرداری منطقه ۴ برای رفع معضل آب گرفتگی در محله تلگرد، احداث کانال هدایت آب های سطحی را در دستور کار خود قرار داده است. این کانال از میدان عسکریه آغاز می شود و تا خیابان شهید بابا نظر ۱۲۷ ادامه دارد و نقش مهمی در کاهش آب گرفتگی معابر به ویژه اطراف بوستان بسیج دارد.

حمایت از یک ورزش بومی

عملیات مسقف سازی گود چوخه شهید بابا نظر آغاز شد. شهرداری منطقه ۴ برای این پروژه که بالغ بر ۳ هزار و ۲۰۰ مترمربع مساحت دارد، حدود ۷۰ میلیارد تومان بودجه در نظر گرفته است تا جوانان در رفاه و آسایش بیشتر بتوانند این ورزشی بومی و محلی را در فضایی سالم دنبال کنند.



شهر خبر



نوجوان هنرمند محله پنجتن، با تکیه بر استعدادهایش درآمدی میلیونی دارد

خودم را باور کردم

۲۶

داستان جلد

مهیار قاسمی، نوجوان موفق محله پنجتن که به تازگی، خستگی تحویل سفارش های نوروزی را از تن به در کرده است، نکاتی خواندنی از کسب و کار خانگی اش و درآمد میلیونی آن دارد؛ صحبت هایی حرفه ای و با اعتماد به نفس که گفتن آن از فردی جاافتاده و باتجربه برمی آید.

فرزانه شهامت امرغ های آمین بارنگ های ملایم، شمع های هفت چاکرا، مجموعه گلدان و قندان با طرح چوب، اردو خوری ته تکه، سینی مزه، آینه و شمعدان و...؛ تماشای پست ها و تصاویر در کانال او، حساب زمان را از دست خارج می کند. ظرافت این محصولات وقتی برای بر جسته تر می شود که بدانی خالق آن، پانزده ساله است.

● نگران هزینه کردن هایت نبودی؟

چرا بودم. با خودم می گفتم اگر کسی این ها را نخرید، چه کارشان کنم. چاره ای نبود، باید ریسک کار را قبول می کردم. به دلیل همین نگرانی ها، اوایل کار، تولید کم بود اما الان هر بار که به بازار می روم، خرید مواد اولیه ام چند میلیون تومان می شود.

● از اولین تولیدات و نخستین فروش بگو.

ظرف پایه داری که داخلش بستنی بود هم جزو اولین کارهایم است که یادگاری نگه داشته ام. اولین خریداران من، زائرانی از لرستان بودند که مهمان خانه مان شدند. پدر و مادرم نذر داشتند که زائران امام رضا (ع) را بیاورند خانه و پذیرایی کنند. وقتی کارهایم را دیدند، تشویق کردند و چند نمونه هم خریدند.

شمع سازی و سنگ مصنوعی، می شد کارهای جالبی کرد اما وقتی تصمیم گرفتم بسته آموزشی سنگ مصنوعی را از کانالی در اپتای بخرم، مادرم مخالفت کرد.

● چرا؟

می گفت بیشتر تحقیق کن، قیمتش زیاد است؛ تو بدون آموزش هم داری خوب پیش می روی و می توانی.

● حرفش درست بود؟

بله؛ بسته آموزشی، حدود ۲ میلیون تومان برایمان آب خورد، بدون اینکه عایدی داشته باشد. تبلیغاتش الکی بود و چیزی به دانسته هایم اضافه نکرد. تنها خوبی اش این بود که خودم را باور کردم. به جز این مبلغ، همه هزینه های خرید ابزار و مواد را از پس اندازم می دادم؛ از سکه های پارسیان که در این سال ها هدیه گرفته یا از پول توجیبی هایم خریده بودم.

● ورودت به این هنرها، به چند سال پیش برمی گردد؟ به سال نمی رسد. من از مرداد ۱۴۰۳ کار را شروع کردم.

● کجا دوره دیده ای؟

راستش هیچ جا. همه چیز را به صورت خودآموز و با جست و جودر اینترنت یاد گرفتم. شمع، همیشه برایم جالب بود. پارسال، شب شام غریبان امام حسین (ع) به مسجدی رفته بودیم. دیدن شمع های آب شده ای که عزاداران روشن کرده بودند، چراغ علاقه ام به شمع و شمع سازی را روشن تر کرد. قرار شد خادم مسجد، پارافین ها را بعد از مراسم برایم نگه دارد که فراموش کرد و دور ریخت ولی من این بار بی خیال ماجرا نشدم، با پول توجیبی هایم پارافین خریدم و خودم شمع درست کردم.

● خوب از کار درآمد؟

خیلی خوب. با حساب و کتاب من، با تلفیق هنرهای



● محصولات را چطور می فروشی؟

همکاران مادرم، هم کلاسی ها و بقیه اطرافیان، خریدارند. چند ماهی است با همراهی پدرم که معلم است، به عصر بازار ایثارگران می روم. فروش در جمعه بازار شهید شوشتری هم خوب است. نمونه کارها و رضایت مشتری ها را در کانالم می گذارم و سفارش مجازی هم قبول می کنم.

● دخل و خرج کارهای هنری ات همخوانی دارد یا همچنان به کمک مالی خانواده، وابسته ای؟

چیزی بالاتر از همخوانی! فروش نوروزی ام حدود ۲۵ میلیون تومان بود که تقریباً ۹۰ درصد آن سود خالص است.

● به دست آوردن این درآمد، ساده بود؟

اصلاً. سال اولی بود که روزه می گرفتم. روزه های جمعه که می خواستم بروم جمعه بازار، واقعا سخت بود. در روزه های عادی، اتاق مشترک من و خواهرم، فاطمه زهرا که هفت سال دارد، کارگاه است اما در اسفند و ایام نوروز، کل خانه شده بود کارگاه. حتی چند روزی هم که سرما خورده بودم، برای فروش حضوری کم نگذاشتم؛ چون فرصت نوروز تکرار نمی شود.

● آینده ات را ترسیم کن.

کارهای بسیاری را تجربه کرده ام که شمع سازی و سنگ مصنوعی دو نمونه از آن هاست. به داشتن گلخانه، دنیای حیوانات، رباتیک، کار با ام دی اف، آشپزی و شیرینی پزی علاقه دارم و در هر دام، توانایی ام را ثابت کرده ام. وضعیت درسی ام خوب است و معدل ترم پیشم شد ۱۷،۵. باید درباره آینده بیشتر فکر کنم.

راز گل رز

بافشاری کرد و با پول توجیبی هایش، گل خرید که حالا من هم با این موجودات سبز دوست داشتنی، انس گرفته ام. محل کارم هم با قلمه هایی که او برایم گرفته، سرسبز و بانشاط است. راه اندازی گلخانه، یکی از گزینه های پیش روی نوجوان محله پنچتن برای کسب و کار آینده اش است. اسم تک تک گلها را می داند، به همان راحتی که اسم تک تک دوستانش را؛ این یکی پدیلانتوس است، این، سیلندریکا، ردیف بالا زامفولیای بلک و سبز، این یکی هم اسکاندیس ابلق، آن دو تا گلدان هم پتوس مرمر و سبز هستند، اونام برخی گل ها و شرایط نگهداری شان را نزدیک هر گلدان نصب کرده است. برنامه آبیاری و نور مورد نیاز شان را از اینترنت جست و جو کرده است و رعایت می کند. اگر هم گل هایش بیمار یا ضعیف شوند، می داند که با چه سم یا کودی به دادشان برسد؛ همان کاری که با گل های بیمار دوست و آشنا انجام می دهد و آن ها را احیای می کند.

شیرینی گفت و گوی مادر به توانمندی های امید محله پنچتن، با چای قند پهلوی که فاطمه زهرا تعارف می کند، بیشتر می شود. او که تنها هفت سال دارد، سینی پر از استکان های چای را بدون کمک مادر، از سماور ریخته و برایشان آورده است. به تازگی، حفظ قرآن را شروع کرده است و در تمام علاقه مندی های مهیار، همراه و همکار او حساب می شود.

در فضای آرام و حاصلخیز حاکم بر این خانواده که نتیجه اش تقویت باور، می توانم، در فرزندان است، می توان امید داشت که تا چندی دیگر، دوباره مهمانشان شویم. این بار برای گفتن از توانمندی های فاطمه زهرا.

در گوشه گوشه خانه ای که به مأمین مهیار و خواهر کوچکش، فاطمه زهرا برای بروز استعداد هایشان تبدیل شده است، نشانه های سرزندگی را می توان دید. مثلاً در گلدان هایی که نزدیک آشپزخانه، جا خوش کرده اند و سبزی رنگی برگ هایشان، خبر از خوب بودن حال و احوالشان می دهد. همچنین از گل های رونده ای که شاخه هایشان، فضای بین میل ها را پر کرده است. پایه چوبی نزدیک پنجره با انبوه گلدان های سرسبز سوار بر آن نیز بس است برای به تماشانشستن، آن هم برای دقایق متمادی.

شش سال است که پای گل ها به این خانه، باز شده است و بهانه آن، یک گلدان کوچک رز بوده است که جرعه شیفگی نسبت به گیاهان را در جان مهیار روشن کرد؛ «کلاس دوم ابتدایی بودم. مادرم به خاطر نمره کاملی که در درس املا گرفتم، یک گلدان رز برایم خرید. قبل از آن گیاهان را دوست داشتم، اما بعد از آن هدیه، دوست داشتنم جور دیگری شد و به پرورش دهنده تبدیل شدم.» داخل سبدهای میوه، پلاستیک می گذاشت و خاک می ریخت. بعد هم بذر می پاشید و آب می داد. یکی دو هفته بعد، جوانه های شاهی و ریحان و تره ای که سر از خاک در می آورد، شعفی را برای این پسر بچه به همراه داشت که نظیرش را تجربه نکرده بود. حالا این علاقه به تک تک اعضای خانواده نیز سرایت کرده است. ملیحه خانم، مادر مهیار، می گوید: راستش من قبلاً علاقه ای به گل و گیاه نداشتم، آن قدر که اگر برای روز معلم کسی به من گلدان گل طبیعی هدیه می داد، ابداً داشتم از اینکه آن رابه خانه بیاورم. می گفتم کسی نیست از آن مراقبت کند. مهیار آن قدر روی علاقه اش



عبور بی خطر از تلاطم نوجوانی

ملیحه محمدی فر، مادر مهیار



از یکی دو سال پیش، ذهنم دائم درگیر یک سؤال بود: برای پسری که در آستانه ورود به نوجوانی است، چه برنامه ای بچینم که از این دوران، بدون آسیب عبور کند. به عنوان مادری که روان شناسی خوانده است، دلم نمی خواست استعداد زیادی که در رشته های مختلف دارد با گشت و گذارهای مجازی بی هدف یا وقت گذرانی با هم سالان در کوچه و خیابان، هدر برود. پس فضا را در خانه برایش مهیا کردیم تا به علایقش برسد.

حالا او برای خودش گلخانه کوچکی از انواع گل ها با اسم های عجیب و غریب دارد که با کود و سم پاشی به موقع، حساسی شاداب هستند. پخت پیترزا، لازانیا و کیک تولد برایش ساده است. مدتی نگهداری انواع پرند ها را تجربه کرد. آن قدر که از اتاقش صدای حیات وحش بیرون می آمد! از حدود یک سال پیش هم شمع سازی و سنگ مصنوعی را دنبال می کند.

به عنوان یک فرهنگی، نه او را مجبور به بیست گرفتن در مدرسه می کنم، نه از کاسبی در فضای مجازی و حقیقی، جلوگیری می کنم و نه حتی به ادامه رشته تکواندو که کمر بند سبز آن را دارد، وادارش می کنم. او باید استعداد هایش را در محیطی امن، تجربه و بهترین راه را انتخاب کند. در این مسیر، من و پدرش همراه او هستیم.





فاطمیه، محله‌ای روی ۴ مزرعه قدیمی

نگاهی به روستاهایی که امروز شهر شده‌اند

شیمای سیدی | محله فاطمیه امروزی که وسعتی ۱۷۴ هکتاری دارد، روی چهار مزرعه قدیمی مشهد شکل گرفته است. مزرعه‌های شقا، باقرآباد (نقرآباد)، دنجان (دنگان) و خیرآباد چهار مزرعه‌ای هستند که اگر نشانی‌شان را در اسناد با نقشه امروز مشهد تطبیق دهیم، متوجه می‌شویم در حدود محله فاطمیه قرار می‌گیرند. در گزارش پیش‌رو نگاهی انداخته‌ایم به پیشینه این محله قدیمی، باتکیه بر اسناد و کتاب‌ها.

● ● روستاهایی که یک محله شدند

بنا به کتاب «جغرافیای تاریخی شهر مشهد»، نوشته مهدی سیدی، مزرعه «شقا» شامل سه قلعه به نام‌های یزدی‌ها، بالا و پایین بوده و سه صحرا و شش جفت زمین زراعی داشته است. این مزرعه در دهه ۵۰ جزو شهر مشهد شد. محل پیشین روستای شقا، پشت ساختمان راه‌آهن، بین خیابان‌های گاز و فاطمیه در کوچه عمار ۸ بوده است. مزرعه «باقرآباد» دیگر مزرعه‌ای است که در حدود محله فاطمیه امروزی قرار می‌گیرد. از این مزرعه در وقف‌نامه میرزا محمد مؤمن در سال ۱۱۳۶ قمری نام برده شده است. اهالی مشهد عموماً این روستا را «نقرآباد» می‌خوانند. بنا به کتاب «جغرافیای تاریخی شهر مشهد» این مزرعه نیز پیش از انقلاب اسلامی و در دهه ۵۰ ضمیمه مشهد شده است. محل آن پشت ساختمان راه‌آهن، حدفاصل انتهای خیابان‌های شیخ صدوق و فاطمیه، آخر فاطمیه سمت راست قرار داشته است.

مزرعه «خیرآباد» نیز یکی دیگر از مزرعه‌هایی است که در حدود محله فاطمیه قرار می‌گیرد. از این مزرعه در وقف‌نامه میرزا محسن رضوی (داماد شاه عباس اول) در سال ۱۰۵۵ قمری نام برده شده است. کتاب «جغرافیای تاریخی شهر مشهد» این روستا را که سی خانوار رعیت داشته است نیز جزو روستاهایی دانسته که در دهه ۵۰ قرن ۱۴ خورشیدی به شهر مشهد پیوسته است. محل پیشین مزرعه خیرآباد اکنون در رسالت ۱۸، اولین فرعی سمت راست قرار گرفته است.

مزرعه دنجان یا دنگان چهارمین مزرعه‌ای است که در حدود محله فاطمیه قرار می‌گیرد. این مزرعه که سیلوی گندم در آن قرار دارد، قدمتی دست‌کم ۵۳۱ ساله دارد. بنا به کتاب «جغرافیای تاریخی شهر مشهد» اولین بار در وقف‌نامه عتیقی در سال ۹۳۱ قمری از این مزرعه نام برده شده است.

مزرعه دنجان دارای برج یا بنایی مرتفع هم بوده که به «میل دنگان» شهرت داشته است. اکنون بنای بالابند این مزرعه سیلوی گندم است. مزرعه دنجان از سوی آستان قدس همراه با اراضی مزارع محراب خان، شادکن و جمع‌آباد در یک پلاک به ثبت رسیده و پس از اصلاحات اراضی به مردم اجاره داده شده و بعد ضمیمه مشهد شده است. نام محله فاطمیه به دلیل قرار داشتن خیابان فاطمیه در این محله انتخاب شده است.

● ● بافت

در هر هکتار محله فاطمیه ۲۱۱ نفر سکونت دارند که از میانگین شهری مشهد بیشتر است و جزو محلات شلوغ شهر

قرار گرفتن سیلوی گندم، «کاربری خدمات و انبار» در آن بیشترین مساحت را دارد و بعد «کاربری تجاری» با ۵۵ درصد مساحت. گرچه هنوز ساختمان‌های یک و دو طبقه بسیاری در قطعات ۱۰۰ تا ۲۵۰ متری در محله فاطمیه وجود دارند، ساختمان‌های سه تا پنج طبقه نیز در حال پیشرفت هستند.

● ● دسترسی

محله فاطمیه اکنون به خطوط مترو دسترسی ندارد، اما خط ۴ مترو مشهد در آینده از این محله خواهد گذشت. در هر صورت چون این محله نزدیک راه‌آهن قرار دارد، دسترسی از آن به سایر نقاط شهر تقریباً آسان است. پراکندگی خطوط اتوبوس در این محله نسبتاً خوب است و به طور میانگین از هر نقطه محله تا ایستگاه اتوبوس ۱۵۴ متر راه است.

● ● حدود جغرافیایی

محله فاطمیه از شرق به بولوار رسالت، از شمال به بولوار گاز، از غرب به بولوار آیت‌الله عبادی و از جنوب به بولوار مجلسی محدود می‌شود. محله‌های خیرآباد، مسلم، گاز، سمزقند و راه‌آهن در همسایگی محله فاطمیه قرار دارند.

امکانات فرهنگی و رفاهی محله

- روزمره اهالی را برطرف می‌کنند.
- سیلوی گندم مشهد در محله فاطمیه قرار دارد.
- دو بوستان، شش دبستان و شانزده مسجد در این محله جای گرفته است.
- بیمارستان «حجازی» و دو درمانگاه در این محدوده به مردم خدمت می‌کنند.

- در محدوده خیابان گاز در این محله، چندین نمایشگاه‌های فروش اتومبیل فعال اند که مخاطبانی از سراسر شهر دارند.
- اتحادیه صنف تولیدکنندگان قفل و کلید مشهد در این محله قرار دارد.
- در محدوده خیابان‌های رسالت و آیت‌الله عبادی در محله فاطمیه، مغازه‌های تجاری متنوعی قرار دارند که نیازهای



زوج مهرگانی از تلاش هایشان در حمایت از غزه می‌گویند

انسانیت بدون مرز

عیدگاه

غزه بدهند اما تصمیم گرفتند اصل و سود را با هم اهدا کنند.

تعریف هشتگ غزه

راه اندازی این غرفه آن قدرها هم برای خانواده فکوری ساده نبود. به ویژه که نوزادی هم دارد.

قنبرپور، این هارادشواری نمی‌بیند: درست مثل شوهرش که مبلغ اهداشده وساعت‌هایی را که بدون چشمداشت مادی، صرف این کار کرده است، قدم‌هایی کوچک برای آزادی فلسطین می‌داند و می‌گوید: همه چیز که پول نیست. در دنیا چیزهای مهم‌تری هم وجود دارد. آن‌ها در کنار تمام کارهای روزمره‌شان به دنبال فرصتی برای حمایت از آنچه حق می‌دانند، هستند. تربیت فرزندشان امیراکبر و آشنا کردن او با واقعیت‌های دنیا با ادبیاتی متناسب با سنش، یکی از این اقدامات است: «گهگاهی کلیپ‌هایی را که حاوی صحنه‌های دل‌خراش از غزه نباشد، نشان می‌دهم و در باره آن با هم صحبت می‌کنیم. وقت‌هایی که پسر شروع می‌کند به دعا، یادش می‌آورم که دعا برای هم‌سن‌وسال‌های جنگ‌زده‌اش را فراموش نکند.»

خانم قنبرپور که به عنوان ادمین یکی از کانال‌های محلی با محتوای تربیتی فعالیت می‌کند، به فهرست تلاش‌هایش، نکته دیگری را هم اضافه می‌کند: پیشنهاد دادم که هشتگ غزه را در کانال تعریف کنیم و هر روز، یک پست مرتبط با این موضوع را منتشر کنیم تا مبادا مشغله‌ها ما را از آن‌ها غافل کند.

می‌دانستم که در کار خیر، از من جلوتر است و وقتی برنامه را به او بگویم، حتما همراهی می‌کند..»

از اینجا به بعد ماجرا را علی فکوری می‌گوید. اولین فروش محله مهرگان است و در مدت سه سال فعالیتش، بین اهالی شناخته شده است: «بوفه مدرسه پسر همنوز راه نیفتاده بود؛ برای همین قرار شد مادر نمایشگاه، راه‌اندازی غرفه تنقلات را به عهده بگیریم. ۲ میلیون تومان خوراکی خریدم؛ از کیک و آمیوه تا انواع بیسکویت و...»

سه روز از صبح تا ظهر کار او و همسرش شده بود ایستادن پای غرفه تا بچه‌ها و خانواده‌هایی که به مدرسه می‌آمدند، از آن‌ها خرید کنند. قرار بود سود حاصل از این کار را به مردم مظلوم

شهادت‌آه همه جلسه اولیا و مربیان، جای سکوت چند دقیقه پیش را پر کرده بود. برخی اعضا به پیشنهاد مطرح شده معترض بودند و می‌گفتند: چه اصراری دارید که بچه‌ها را وارد مسائل سیاسی کنید؟

معصومه قنبرپور، دیگر عضو انجمن اولیا و مربیان دبستان امام حسین (ع) در محله بلال، موافق این صحبت‌ها نبود. او حمایت از غزه را نه موضوعی سیاسی، بلکه انسانی می‌دانست و معتقد بود: «بچه تا بچه است، باید همدلی را یاد بگیرد و دوست و دشمنش را بشناسد.»

بیشتر اعضای جلسه، موافق صحبت‌های او بودند؛ بنابراین برگزاری نمایشگاه در حیاط مدرسه به نفع کودکان غزه با اکثریت آرا تصویب شد؛ برنامه‌ای که مشارکت در آن، تنها یکی از اقدامات این بانوی مهرگانی و همسرش، برای حمایت از ستمدیدگان فلسطینی به شمار می‌رود.

اهدای اصل و سود

«در راهپیمایی‌های حمایت از فلسطین شرکت کرده بودم. به بازارچه‌ای که در مسجد امیرالمؤمنین (ع) در محله مهرگان، برای کمک به غزه برپا شده بود هم کمک کرده بودم اما هنوز دلم قرار نداشت. انگار برنامه‌ای که قرار بود در مدرسه پسر نه ساله ام، امیراکبر برگزار شود، همانی بود که به دنبالش می‌گشتم. از جانب شوهرم، خاطرم آسوده بود.»



فلافل فروش کتاب‌خوان محله التیمور
از سوی شهرآرامحله و نهاد کتابخانه‌ها تقدیر شد

رفیق کتاب‌ها



ظرفیتی برای تبدیل به پاتوق فرهنگی

«اینکه کتاب می‌خوانید و دیگران را هم به مطالعه تشویق می‌کنید، یک کار ارزشمند فرهنگی است. شما در این فلافل فروشی، هم‌زمان به فکر دادن غذای جسم و روح به مشتریانانتان هستید و این رفتار، مصداق دعوت به خیر و امر به معروف است. کار شما در توصیه به کتاب‌خوانی، مؤثرتر و باارزش‌تر از کاری است که بنده نوعی در فضای کتابخانه‌ها انجام بدهم، «کشوری، کارشناس اداره کل کتابخانه‌های عمومی استان، این‌ها را می‌گوید. او تأثیر کتاب‌خوانی را روی رفتار و ادبیات خانم امامی، مشهود می‌داند و از پیشنهاد شهرآرامحله برای تبدیل این فلافل فروشی به پاتوق فرهنگی به ویژه برای اهالی کتاب‌خوان محله شهید قربانی و التیمور استقبال می‌کند؛ مکانی که می‌تواند میزبان رویدادهای مرتبط با کتاب مثل خوانش‌های جمعی، نقد و بررسی و جشن امضای کتاب باشد. گرفتن عکس یادگاری، اهدای هدیه و لوح تقدیر با امضای مدیر کتابخانه‌های عمومی مشهد و نیز اهدای کتاب تحسین شده «تنها گریه کن»، از سوی شهرآرامحله منطقه ۳ و ۴، از دیگر بخش‌های این دوره‌می خودمانی بود.

غریبه‌های دوست‌داشتنی

«الان دارید چه می‌خوانید؟» شهروند محله التیمور به جای پاسخ شفاهی به سؤال کارشناس اداره کل کتابخانه‌های عمومی استان، از روی میز انته‌ای آشپزخانه، کتاب‌هایی را می‌آورد که هفته پیش از کتابخانه قائمیه امانت گرفته است. کتاب «چکامه عشق»، شامل سروده‌های مرحوم سیدرضا مؤید، شاعر محله فاطمیه را تمام کرده و چهل و چند صفحه از کتاب «دختران هم شهید می‌شوند»، را نیز خوانده است. بالبخند می‌گوید: قفسه‌های کتابخانه قائمیه را حفظ شده‌ام؛ برای همین، وقتی بین قفسه‌ها قدم می‌زنم، به محض اینکه کتاب جدید و غریبه‌ای ببینم، متوجهش می‌شوم و فوری امانت می‌گیرم.

آن‌طور که تعریف می‌کند، تمام آنچه می‌خواند، به جانش می‌نشیند و حاصل این مطالعه را به صورت قصه‌هایی برای سه فرزندش، عبرتی برای تصمیمات شخصی‌اش، دعوت دیگران به مطالعه آن کتاب و اتفاق‌هایی از این دست بروز می‌کند.

شهادت‌آبی توجه به گذر دقیقه‌ها، وسط فلافل فروشی ایستاده است و با شادی و هیجان، ما را به خواندن کتابی تشویق می‌کند که پس از چند ماه، هنوز شیرینی مطالعه آن را در کام دارد: «اسم کتاب، فهمیه است. ما جرای زنی است که همسرش، زمان شاه، خلبان بود و توی یک حادثه مشکوک کشته شد. با پسرش سعید می‌رود خارج و زمان جنگ، برمی‌گردند برای خدمت به مملکت. تا اینکه...»

از اولین دیدار و تهیه گزارش از بی‌ب‌زهره امامی، فلافل فروش کتاب‌خوان محله التیمور، یک هفته می‌گذرد. دیدار دوم ما بهانه‌ای خوشایند دارد؛ بنابرست با حضور مسئولان اداره کل کتابخانه‌های عمومی استان و مشهد، از این بانوی فرهیخته، قدردانی شود.

شوق سیری‌ناپذیر

مهمانان از اهالی می‌رسند و بازار خوش‌وبش‌ها گرم می‌شود. قدرت... کشوری، کارشناس فرهنگی، به نمایندگی از اداره کل کتابخانه‌های عمومی خراسان رضوی و مسیحه اسدی، کارشناس امور کتابخانه‌های عمومی شهرستان مشهد، در این دیدار حضور دارند. محمد اصغری، مسئول کتابخانه قائمیه واقع در محله شهید قربانی نیز که سال‌ها شاهد شوق سیری‌ناپذیر خانم امامی برای امانت و مطالعه کتاب است، گفتنی‌هایی برای شنیدن دارد.

هر چه بیشتر از احوالات او می‌شنوند، اشتیاقشان برای



کلیه حقوق این نشریه به کانال شهرا محلّه
منطقه ۳ و ۴ ایتا و رسانه کتب



طلاب، گلشور، ایتار، تلگرد، وحید، فجر، رده، پنجتن، شهید قربانی
التیمور، کوی مهدی

محلات منطقه‌ها

راه آهن، فاطمیه، گاز، مسلم، دروی، سپس آباد، طبرسی شمالی، عباس آباد
رسالت، خیرآباد، بهمن، خواجه ربیع، مهر مادر، بلال، قرقی، مهرگان



○ دختران مدرسه «صفورای یک» با استفاده از بطری‌های بازیافتی و قلمه‌های گل، دیوار مدرسه را سبز می‌کنند. در این طرح، دانش‌آموزان بنا به سلیقه خودشان قلمه گل مورد نظرشان را داخل این بطری‌ها می‌گذارند و به نام خودشان نام‌گذاری می‌شود.
رقیه قدوسی نیا: شهروند محله رده



○ هفته پیش، محله ما میهمان ویژه‌ای داشت. پیکر ابوالفضل نصیری زو، جوان محله قرقی که ۲۸ تیر ۱۳۶۶ در عملیات دفاع مقدس در منطقه جزیره مجنون شهید شده بود، بعد از ۳۸ سال پیدا و در محله خودش تشییع شد.
علی عفتی، محله قرقی



محله به روایت شما



○ هم‌زمان با سالروز شهادت ناصر حیدری دژ، شهید مرزبانی به اتفاق نمازگزاران مسجد قائمیه، اعضای خادم‌الشهدای حوزه ۲ ناحیه مقاومت بسیج میثم و جانشین کلانتری طبرسی شمالی، ساعتی را میهمان خانواده شهید شدیم.
کسرا غزنوی، محله طبرسی شمالی



○ دم‌بچه‌های گروه جهادی «توان‌آوران» گرم که از جمعه‌هایشان می‌زنند و در این روز به اهالی محله شهید قربانی خدمت می‌کنند. آن‌ها فیزیوتراپی و گفتار درمانی رایک جمعه درمیان در مدرسه امام حسن (ع) برای کودکان با نیازهای خاص به رایگان انجام می‌دهند.
حسین باقری نیا، محله شهید قربانی



○ گیاهان خودرویی که از لابه‌لای موزاییک و آسفالت و سیمان خیابان عترت سردرآورده‌اند، منظره زیبایی را در چشم اهالی رقم زده‌اند.
احمد قلندری، خیابان عترت محله مهرگان